



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

قضایای تحلیلی (منطق)

قضایای تحلیلی، یکی از **اصطلاحات** به‌کار رفته در **علم منطق** بوده و بمعنای قضایای دارای محمول برآمده از تحلیل **موضوع** است.

فهرست مندرجات

۱ - [کانت و تقسیم قضایا](#)

۲ - [رابطه محمول با موضوع](#)

۳ - [وجه تسمیه](#)

۴ - [مستندات مقاله](#)

۵ - [پانویس](#)

۶ - [منبع](#)

کانت و تقسیم قضایا

از مشهورترین تقسیمات **قضیه** که در غرب پس از **رئسانس** صورت گرفته، تقسیم‌بندی **کانت** است. وی به لحاظ اندراج و عدم اندراج محمول در مفهوم موضوع، قضایا را به تحلیلی و ترکیبی منقسم ساخته، و به لحاظ **مقولات ذهنی** آن را به دوازده قسم تقسیم کرده است. کانت در این تقسیمات بیشتر به عمل **ذهن** در هنگام حکم توجه دارد تا به اشیاء و امور خارجی‌ای که متعلق حکم قرار می‌گیرند. و به همین جهت به **ارسطو** اعتراض می‌کند که در تقسیم قضایا بیشتر به امور خارجی متعلق حکم نظر دارد، و به ذهنی که سرچشمه و منبع حکم است توجهی نداشته است.

رابطه محمول با موضوع

چنان‌که می‌دانیم در هر حکمی، رابطه محمول با موضوع در نظر گرفته می‌شود. کانت می‌گوید این رابطه بر دو قسم است:
یا **محمول** در مفهوم موضوع مندرج و منظوری است؛ یعنی تعلق محمول به موضوع به نحوی است که جزئی از مفهوم موضوع، و به عبارت دیگر، ضمنی است، و یا در عین ارتباط به موضوع، امری است خارج از مفهوم آن. حکم، در صورت اول "تحلیلی" است و چنین قضایایی را "قضایای تحلیلی" گویند، و در حالت دوم "ترکیبی" است و چنین قضایایی را "**قضایای ترکیبی**" گویند.

مثلاً وقتی می‌گوییم: "هر جسمی دارای امتداد است"، این حکم، حکم تحلیلی است؛ زیرا نیازی نیست از **تصور** خود جسم خارج شویم تا تصور امتداد را بیابیم و به آن اسناد دهیم، بلکه همین مقدار کافی است که به تجزیه و تحلیل مفهوم **جسم** بپردازیم، تا به اجزای مختلفی که در آن وجود دارد، و از جمله به ممتد بودن آن، آگاهی یابیم. اما بر عکس، وقتی حکم می‌کنیم که: "هر جسمی دارای وزنی است"، مفهوم "وزن داشتن" امری است کاملاً خارج از مفهوم جسم و متغایر با آن، و بنابراین پیوستن آن به موضوع امری است ترکیبی.

وجه تسمیه

وجه تسمیه در عنوان نخست این است که محمول هیچ چیز به موضوع نمی‌افزاید، بلکه آن را شرح و تفصیل می‌دهد. یعنی اجزائی را که به نحو مجمل و مبهم در آن وجود دارد صریح و روشن می‌سازد. در عنوان دوم، وجه تسمیه این است که معنای موضوع را با افزودن معانی تازه، گسترش می‌دهد.

[۱] جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آئینه معرفت، ص ۳۴۰.

[۲] خوانساری، محمد، منطق صوری، ص ۹۳-۹۵.

مستندات مقاله

در تنظیم این مقاله از منابع ذیل استفاده شده است:

- خوانساری، محمد، منطق صوری.
- جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آئینه معرفت.

پانویس

۱. [↑](#) جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آئینه معرفت، ص ۳۴۰.
۲. [↑](#) خوانساری، محمد، منطق صوری، ص ۹۳-۹۵.

منبع

[پایگاه مدیریت اطلاعات علوم اسلامی، برگرفته از مقاله «قضایای تحلیلی»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۳/۱۶.](#)